

متن پرسش

سلام استاد، گویا ماه رجب باعث شده بفهمم فاضلاب وجودم بالا زده‌است و کثافت وجودم هم درون و هم بیرون را فراگرفته است. خاک بر سر من که کتاب می‌خوانم و مطالعه میکنم و ذکر میگویم و پیش خودم میگویم آری من هم هستم؛ یاد آن ذکر افتادم که میگفت: ای خر آدم نشدی! حالم خیلی خراب است. می‌دانستم نباید بپرسم حتی این سوال را و اصولا این راه راه نپرسیدن و عمل و جنگ درونی با شیطان وجود خود است که گر نپرسی زودتر کشف شود. سگ اصحاب کهف روزی چند پی مردم گرفت و مردم شد! من نمی‌خواهم جزء اصحاب کهف باشم! می‌خواهم نگهبان این در باشم! آه که به حرف زدن نیست! آه که تبلی السرائر! نمی‌دانم شاید هیچوقت آدم نشوم البته این طرفش هم یاس و بی عملی است و شیطان! استاد چه خاکی بر سرم است نمی‌دانم! نمی‌دانم دوزخیم یا بهشتی! نمی‌دانم صوفیم یا یک آدم متکبر و پر از عجب! گاهی می‌گویم همان گناه ما را به! انگار گاهی باید از شیطان بزرگتر به شیطانی کوچکتر پناه برد! نه این هم صورت مساله پاک کردن است! باید با شیطان بزرگتر جنگید! انگار شیطان تمام هدفش این است که مرا از درون خودم بیرون بکشد! که آی تو خیلی میفهمی و آدمی هستی برای خودت در حالی که هیچ خری هم نیستی! می‌گویند بین فلانی تو را تحویل نگرفت، آن یکی به تو حسادت میکند، وووو آخرش تو را به کثرت دیگران کشیده و نابودت میکند مثل اقوام قبل! چه خوب فرمودید که او روانکاوی چند هزار ساله است! استاد دعایمان کنید تا ماه رمضان نرسیده از این ابن ملجمی در بیاییم و فرق سر انسانیت را نشکافیم! نمی‌دانم چه کنم! حالم خیلی بد است. دعایمان کنید. کاش این سوال را نمی‌پرسیدم! اما چه کنم آدمی احساسی و ضعیف الایمانم. استاد چرا همه چیز اینقدر سخت است! کاش قصه فصاحت و تنهایی ما زودتر تمام می‌شد...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان که در جلسه اعتکاف عرض شد آری! «آب گل خواهد که در دریا رود / گل گرفته پای او را می‌کشد. چیست این از گل گرفته آب را / جذب ما نقل و شراب ناب را». به همین جهت این مائیم و نحوه‌ای از خود که مناجات «راغبین» عزیز مقابل ما می‌گذارد که «ای دل قوی مدار که رندان رند را / در سنگلاخ بادیه پی‌ها بریده‌اند. نومید هم مباش که رندان جرعه‌نوش / با یک کرشمه به منزل رسیده‌اند». انسان در «مناجات راغبین» عزیز از هر دری که به خود نگاه کند خواهد گفت: «إلهی إن کان قل زادی فی المسیر إلیک، فلقد حسن ظنی بالتوکل علیک» و این یعنی در عین آن که به خود می‌نگریم و دست خود را خالی می‌یابیم، «نومید هم مباش که رندان جرعه‌نوش / با

یک کرشمه به منزل رسیده‌اند». و در همین رابطه احساس شد در ماه مبارک رجب ما مخاطب مناجات الراغبین می‌توانیم باشیم تا آرام آرام به جایی برسیم که در آخر آن مناجات عزیز، جز خدا در میان نباشد و عرضه می‌دارید: «فار من سخطک إلی رضاک، هارب منک إلیک، راج أحسن ما لدیک». و این یعنی از خدا به خدا پناه‌بردن و این یعنی «من هرچه خوانده‌ام همه از یاد برده‌ام / الا حدیث دوست که تکرار می‌کنم». در این رابطه خوب است باز به دو جلسه‌ای که در رابطه با «مناجات الراغبین» عرایضی پیش آمد، رجوع شود. موفق باشید <https://eitaa.com/matalebevijeh/۱۸۴۸۲> و <https://eitaa.com/matalebevijeh/۱۸۵۰۰>